

عاشق راهِ وَصلو می دونه

(عاشق راهِ وَصلو می دونه، نوگر صاحبش رو می شناسه) ۲

امضای بَرَاتِ عشقِ من، توو دستای اُمِّ عَبَّاسه

از وقتی یادم میاد بودم، مُحتاجِ دعای این مادر

کُلِّ زندگیم به قُربونِ، آقازاده‌های این مادر

بی خبر بود واویلا، از ماهش واویلا

جیگرم سوخت واویلا، از آهش واویلا

(واویلا، واویلا) ۸

(تنها افتخارِ من اینه، مستِ باده‌ی اَبَاالْفَضْلَم) ۲

یا اُمِّ البَنینِ مَدَدِ مادر، من دِلداده‌ی اَبَاالْفَضْلَم

جانِ اون لحظه که گردوندی، عَبَّاسو دورِ سَرِ اَرباب

دستِ من به دَامَنِتِ مادر، یا اُمِّ البَنینِ مَنو دَریاب

شُدَم عاشقِ واویلا، پا تا سَرِ واویلا

مَنو دَریابِ واویلا، ای مادرِ واویلا

(واویلا، واویلا) ۴

(ای جانم به این همه غِیرت، ای جانم به این وفاداری) ۲

این مادر که تَرِیت کرده، فرزندو بَرَا فداکاری

این که شُد مَرِدِ همه مَرَداس

أَصْل و غِیرت و آدَبِ عَبَّاس

از تأثیرِ شیرِ مادر شُد، شیرِ فَاْرِشِ العَرَبِ عَبَّاس

شُدِه دِکَرَمِ واویلا، واویلا واویلا

یا مولا واویلا، یا اَبَاالْفَضْلِ واویلا، یا مولا واویلا

(واویلا، واویلا) ۴

داغِش سخته و جِگرسوزه، هرگس این همه پسر داره

می سوزونه عالَمو آهش، زهرا از دِلش خبر داره

توو قلبِ مدینه می خونه، پَرِپَرِ شُد گُلای باغِ من

مَشکِ پاره پاره با آشکاش، گَریونه به پای داغِ من

(دیگه هر روز واویلا، عاشوراس واویلا) ۲

وا حُسینا واویلا، وا عَبَّاسِ واویلا

(واویلا، واویلا) ۴
